



اشاره
انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کمتر از سه ماه دیگر برگزار می شود و این موضوع یکی از مهمترین رویدادهای سرنوشت ساز بعد از سرنگونی رژیم طالبان و از اولین تجربه های حاکمیت دموکراسی در افغانستان به حساب می آید.
انتخابات آینده برای اولین بار بعد از چند دوره، بدون نامزدی کرزای، دنبال می شود و در مبارزات انتخاباتی اسامی افرادی به عنوان کاندیدا به چشم می خورد که بسیاری از آنها در گذشته دشمنان هم بوده و اکنون با هم دوست یا حتی برای جلب آرای بیشتر به عنوان معاونین یکدیگر معرفی شده اند.
فضای به وجود آمده و ترکیب کاندیداها، شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی به وجود آورده که نحوهٔ مشارکت و علاقه مندی مردم و همزمانی انتخابات با آغاز خروج نیروهای ناتو، بحث امنیت و حیطة حاکمیت دولت کابل، موضوعاتی است که در نوشتار ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای استانی افغانستان ۱۶فروردین۱۳۹۳ (۱۵آوریل۲۰۱۴) برگزار می‌شود و هرروز صف بندی های سیاسی گروه ها و چهره های مطرح کشور، بیشتر به چشم می خورد. ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی افغانستان بستگی تنگاتنگ به نحوه برگزاری این دور از انتخابات دارد زیرا اگر انتخابات شفاف ودموکراتیک برگزار نشود افغانستان به سوی بحران امنیتی ویاحتی جنگ داخلی سوق داده خواهد شد. لذا رقابت ها و یار گیری ها میان جریان های سیاسی با آغاز رسمی تبلیغات انتخاباتی که از هفته قبل آغاز شده، حال و هوای شهر های کشور به ویژه کابل را تغییر داده است.

انتخابات آینده از ابعاد گوناگون برای مردم افغانستان و حتی دیگر کشورها، حائز اهمیت است زیرا نوع برگزاری این انتخابات چشم انداز آینده این کشور پس از سال ۲۰۱۴ را ترسیم می کند. خصوصا که این کشور برای برگزاری این انتخابات با چالش های گوناگون، مثل ناامنی ها و مداخلات خارجی رو به رو است، با این حال نقش و نوع حضور مردم در صحنه انتخابات بسیار با اهمیت است. شهروندان به دقت روند برگزاری انتخابات را دنبال می کنند،تا مطمئن شوند انتخابات سالم برگزار شود و از سوئی، دیگران منتظرند ببینند مردم افغانستان در انتخابات ریاست جمهوری آینده به رغم تمامی چالش ها، کمبودها و مشکلات بیش از ۱۲سال گذشته، چگونه سهم خواهند گرفت.

نظر سنجی ها نشان می دهد که مردم افغانستان در انتخابات آینده فعال شرکت خواهند کرد. نتایج یک نظر سنجی تازه که از سوی موسسه «دموکراسی انترناسیونال» صورت گرفته نشان داده که ۸۵ درصد از مردم افغانستان علاقه مند به شرکت در انتخابات هستند اما یکی از دغدغه های مهم مردم برای شرکت در انتخابات، نبود امنیت در کشور است.امنیت اولین اصل برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف است. دومین دوره ریاست جمهوری حامد کرزای با احتساب دوره موقت ۶ماهه و دوره انتقالی ۱۸ماهه، بعد از ۱۲سال در اواسط سال ۲۰۱۴میلادی به پایان می‌رسد و افغانستان می‌خود را آماده یکی از سرنوشت ساز ترین انتخابات تاریخ خود می کند، زیرا قرار است هم زمان، خروج نیروهای ناتو نیز آغاز شود. لذا آمریکا که افغانستان را با این مقصده مواجه ساخته است فشارهای مضاعف برای امضای قرارداد امنیتی با سفرهای مقامات مختلف خود بر کرزای ادامه می دهد.

همین امر تلاش ها و جبهه بندی های نوینی در صحنه سیاسی افغانستان گشوده است، که ائتلاف ها و اتحاد انتخاباتی است-ها حزب نیرومند و تاثیر گذار سیاسی در افغانستان با

مطرح شدن ۲۷تفر به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد که در نهایت با تایید صلاحیت ۱۱ نفر از آنان قرار است انتخابات ریاست جمهوری در ۱۶فروردین ماه سال آینده با ۲۷۱۳کاندیدا شوراهای استانی کشور، برگزار شود.

آرایش سیاسی انتخابات

حکومت‌های قومی و خاندانی، سنتی‌ترین نوع حکومت‌ها در تاریخ بشر به حساب می‌آیند و تقسیم قومی قدرت در تاریخ افغانستان، تقسیم قومی قدرت با حکومت کرزای آغاز شد. نخستین بار «مارشال فهیم» مسئولیت نمایندگی قوم تاجیک و محمد کریم خلیلی نمایندگی قوم هزاره را به عهده گرفتند.

با توجه به وضعیت اجتماعی سنتی و قومی در افغانستان و تقسیم قدرت بر اساس جمعیت اقوام، چهره هائی از چهار قوم پشتون، تاجیک،هزاره و ازبک، ترکیب کنونی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و معاونان آنان را نیز تعیین کرده است و لذا تلاش های گوناگون و مذاکرات نایب های احزاب و چهره های شاخص سیاسی برای حضور قدرتمندانه در انتخابات و متحد کردن دولت نامزد جریان دارد.

دریچه ای به جهان

kharegi@kayhan.ir



چه کسی جانشین کرزای می شود؟

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان دشمنان دیروز، دوستان امروز

■ سید وحید ظهوری

***سومین دور انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای استانی، ۱۶فروردین ۱۳۹۳ در افغانستان برگزار می شود.**

***در این دور از انتخابات ۱۱ کاندیدا برای پست ریاست جمهوری و ۲۷۱۳ کاندیدا برای شوراهای استانی کشور با هم رقابت خواهند کرد.**



که هزاران نفر کشته و مجروح و میلیون ها نفر هم بار دیگر بعد از بازگشت به وطن، آواره شدند.

به چند مورد اشاره می شود:

جنگ ها و رقابت های حزب اسلامی و جمعیت که از سال های دور هنوز وجود دارد.

درگیری های شدید ائتلاف مخالفین مقابل از احزاب فوق با حزب وحدت.

حزب اتحاد سیاف با دیگر احزاب و شیعیان.

درگیری ها و ائتلاف های جنگی جنبش های اسلامی ژنرال دوستم.

در اثر جنگ کوچی ها و هزاره ها که با غصب زمین های هزاره ها شروع شد احمدزی که از کوچی ها نمایندگی می‌کند اختلافات تاریخی عمیقی با هزاره‌ها دارد و اکنون یک هزاره را معاون خود معرفی کرده است.

اشرف غنی احمد زی کسی را معاون اولش برگزیده است که پیش ازاین، وی را قاتل نامیده بود. احمدزی در مقاله ای درسال ۲۰۰۹ میلادی که درلندن تایمز چاپ شده بود، ژنرال عبدالرشید دوستم را یک قاتل شناخته شده نامیده و از رئیس جمهور کرزای نیز انتقاد کرده بود که چرا ژنرال دوستم را در حکومت جا داده است.

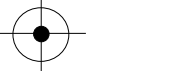
مشکلات فرارو

انتخابات قبلی ریاست جمهوری و پارلمانی افغانستان نشان داد، کمیسیون مستقل انتخابات از نظر شیوه عمل و موضع گیری سیاسی خود، با توجه به باطل شدن میلیون ها رای در انتخابات

*** شیوه رای گیری، حضور مهاجران خارج از کشور و تامین هزینه ها، مهم ترین موضوعات مورد بحث در انتخابات آتی است.**

ریاست جمهوری و جا به جایی برخی نمایندگان پارلمان بعد از شمارش مجدد آرا که یک عمل استصوابی محسوب می شد، به شدت آسیب دیده و اکنون نیز با چالش های زیر رو به رو است. توزیع بیش از حد کارت های انتخاباتی که به نظر می رسد بیش از تعداد رای دهندگان کشور است لذا این موضوع یک مشکل اساسی در راستای انتخاباتی شفاف وعادلانه محسوب می شود.

اکثریت نامزدان فوق و معاونان شان حتی با همدیگر دشمنان خونی بودند و در اثر همین دشمنی ها جنگ های داخلی گسترده ای در دههٔ ۷۰ راه افتاد



*** مردم افغانستان نگران آن هستند که آمریکا با دخالت در روند انتخابات نتیجه را به نفع خود تغییر دهد.**

صحبت کرده و می گویند مشکلاتی وجود دارد و تلاش برای رفع آن جریان دارد. مشکلات مالی، فنی، تثبیت هویت مهاجرین برای استفاده از سیستم رایانه ای در انتخابات و نتیجه تفاهم نامه ها با کشورهای متوع از آن جمله است.

لازم به یادآوری است، چندی قبل شماری از نمایندگان مهاجرین افغان در کشورهای ایران، پاکستان، هند، تاجیکستان و روسیه در یک گردهمایی در کابل خواهان سهیم شرکت در انتخابات شدند. مسئولان کمیسیون مستقل انتخابات همچنان می گویند، برای مهاجرین که در کشورهای اروپایی و امریکایی زندگی می کنند نیز برنامه جداگانه ای را با نهاد های مسئول افغانستان در آن کشورها مطرح ساخته اند.

بر اساس گزارش ها در حال حاضر بیش از پنج میلیون افغان در کشورهای دیگر از جمله، ایران و پاکستان بسر می برند، اما اینکه چه تعداد آنان واجد شرایط رای دهی هستند تاحال مشخص نشده است. استفاده از رای مهاجرین افغان در تعیین نتیجه انتخابات آینده کشور، مهم و تاثیر گذار است که باید زمینه شرکت آنان فراهم شود.

نتیجه گیری

نهایتا می توان گفت نفس برگزاری انتخابات یک امر مثبت ارز یابی می شود و تمرین دموکراسی هرچند ناقص برای جامعه ای مانند افغانستان ارزش حیاتی دارد و می تواند از بسیاری از خود محوری ها و جنگ های خانمانسوز جلوگیری کند.

با توجه به اینکه افغانستان جامعه ای مسلمان و به شدت پایبند معتقدات و ارزش های مذهبی هستند، قانون گرای و انتخابات شفاف و روشن تنها وسیله احقاق حقوق اسلامی مردم بوده و بی قانونی و هرج و مرج خواسته اجانب و دشمنان ملت است که می تواند منافع آنان را تامین کند و اکنون دیده می شود که به نام قانون، قانون را دور می زنند و همانند مذاکرات صلح با طالبان امریکایی ها می خواهند قیم افغان ها باشند.

نتیجه شفاف انتخابات را همه خواهند پذیرفت اما اگرچه تعدد رسانیی می شود در چنین حالت تعداد کل آرای بیشتر، از روی حدس و گمان است نه از روی معیار های مشخص. شیوه های رای گیری و جذب رای ازسوی کاندیداها در استان های مختلف از روی زور، ارباب و یا تلطیع صورت می گیرد در حالی که کمیسیون انتخابات آزاد است تا از روش های مختلف برای برگزاری انتخابات دولالت داد:

چون کرزای دنبال باج خواهی برای آینده خود است اگر خواسته هایش توسط آمریکا تامین و تضمین شود خیال را امضا خواهد کرد، در این صورت آمریکا خالی راحت است و هر کسی به ریاست جمهوری انتخاب شود عنان آن را در اختیار خواهد داشت.

اگر کرزای قرارداد را امضا نکند، آمریکا به شدت دنبال پیروزی گزینه مورد نظر خود خواهد بود در انتظارش برای آینده، بی ثمر نماند لذا در روند انتخابات دخالت خواهد کرد.

در پایان یاد آوری می شود، اخیرا حامد کرزای رئیس جمهوری افغانستان به ویژه طالبان از این دو فرصت مهم برای نامن سازی افغانستان استفاده کرده و برگزاری ناکام انتخابات ریاست جمهوری یکی از اهداف مهم مخالفان دولت و ملت افغانستان است.

بدیهی است که مخالفان نظام افغانستان به ویژه طالبان از این دو فرصت مهم برای نامن سازی افغانستان استفاده کرده و برگزاری ناکام انتخابات ریاست جمهوری یکی از اهداف مهم مخالفان دولت و ملت افغانستان است. بدیهی به نظر می رسد. نحوه شرکت و حضور مهاجرین افغانی مستقر در ایران و پاکستان در انتخابات فوق نیز یکی دیگر از مشکلات پیش رو است. مسئولان کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، برای شرکت مهاجرین افغان مقیم ایران و پاکستان در انتخابات سال آینده، با وزارت های خارجه و مهاجرین وعودت کنندگان

صفحه ۸ پنج شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۲ ۷ ربیع الاول۱۴۳۵ - شماره ۲۰۶۸۳

سناریوهای جاری در بحران سوریه

*** دولت و ارتش سوریه قریب به سه سال توانسته اند با تروریست های تکفیری بجنگند و اجازه نداده اند آنها بر اوضاع کشور مسلط شوند.**

زمانی که بحران سوریه با تهدیدهای نظامی کشورهای غربی وارد مرحله تازه‌ای شد، امریکایی‌ها شاید تصور آن را هم نمی‌کردند زمانی برسد که هجوم گسترده تروریست‌های القاعده به این کشور، بازگشت «بشار اسد» و ماندن وی در قدرت را به آرزویی برای آنها تبدیل کند. این «آرزو» ابتدا از زبان رئیس سابق اژانس مرکزی آمریکا «سنی» بیان شد. مایکل هایدن در بیان احتمالات درباره سرنوشت سوریه اعلام کرد که بهترین احتمال برای این کشور باقی ماندن بشار اسد در قدرت است و دو سناریوی دیگر، که برای سوریه پیش‌بینی شده است، چنان وحشتناک است که نمی‌توان تصور کرد برای مردم این کشور چه اتفاقی می‌افتد. وی که در هفتمین نشست سالانه تروریسم مرکز «جیمزتاون» با موضوع تروریسم سخن می‌گفت، سه گزینه احتمالی برای آینده سوریه را پیروزی اسد، تجزیه سوریه و ادامه درگیری‌های موجود میان تندروهای سنی و شیعه در این کشور دانست و افزود در میان این سه سناریو، هیچ یک پیروزی مخالفان را شامل نمی‌شود.

تسلط اسد بر کشور
دولت سوریه و ارتش این کشور، طی قریب به سه سال، توانسته‌اند با گروه‌های مختلف مخالف، معارض و تکفیری بجنگند و اجازه نداده‌اند آنها بر اوضاع کشور مسلط شوند. این مسئله درحالی است که به جز چند کشور روسیه، ایران و چین بقیه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای، به‌طور آشکار و نهان، از تروریست‌ها حمایت کرده‌اند. از طرفی، مقامات کاخ سفید و کشورهای غربی بارها اذعان کرده‌اند که اسد بر اوضاع کشورش مسلط شده است. مناطق کلیدی این کشور شامل استان‌های مهم دمشق، لاذقیه و طرطوس در دست ارتش است.

بسیاری از نقاط مهم حلب و حمص هم در کنترل دولت است. این موارد نشان می‌دهد اگر حمایت‌های خارجی به مخالفین قطع شود، بدون شک، پیروز این میدان رئیس‌جمهور سوریه است؛ کما اینکه روند تحولات نیزبه خوبی مؤید این ادعاست.

از این‌رو، دولت سوریه به علت تسلطش در برهه کنونی خواستار شرکت فعالانه در کنفرانس ژنو ۲ بود و مخالفین از حضور همه‌جانبه در این کنفرانس سرباز می‌زدند.

غربی‌ها نیز بهترین گزینه را این یافتند که از تسلط نسبی دولت اسد بر اوضاع حمایت کنند؛ زیرا هیچ گروه قدرتمندی در میان مخالفین وجود ندارد که هم بتواند منافع آنها را حفظ کند و هم یاری تسلط بر دیگر گروه‌ها را به شکل کامل داشته باشد.

مسئله القاعده

همان‌طور که رئیس سابق سیا نیز بدان اشاره کرده است، تندروهای سنی، که آنها را به عنوان القاعده یا تکفیری‌ها می‌شناسیم، به شکل نسبی بر دیگر گروه‌های مخالف غلبه کرده‌اند. عواملی مانند حمایت لجستیکی و مالی کشورهای مانند عربستان، ترکیه و قطر و برخی از کشورهای غربی باعث شد که این تروریست‌ها دست به جنایات متعددی بزنند و شماری از کشورها عربی مثل اردن، کویت و عربستان سعودی هم، که در درون خودشان نیروهای تندرو را از قبل آموزش داده بودند، با فراهم شدن این فضا به صورت مستقیم و غیرمستقیم از حضور آنها در سوریه حمایت کردند.

جبهه النصره یکی از تندروترین گروه‌های القاعده در سوریه محسوب



*** آمریکا تا مدت ها بر طبل جنگ طلبی می کوبید اما پس از آنکه اطمینان یافت حمله نظامی موفقیت آمیز نخواهد بود در پی یافتن یک راه حل سیاسی است.**

می‌شود و از هیچ جنابیتی در این کشور دریغ نکرده است، تا جایی که دولت این کشور و حزب‌الله را به حمله شیمیایی تهدید کرده است بنابراین، اگر این گروه‌ها در سوریه قدرت را به دست بگیرند و به سلاح‌های سنگین‌تر مجهز شوند پیش‌بینی آینده کار ساده‌ای نخواهد بود.

گزینه‌های بی نتیجه نظامی

ایالات متحده و متحدین غربی و منطقه‌ای‌اش، از ابتدای بحران سوریه، همواره بر کناری اسد را خواستار بودند؛ به‌طوری که در کنفرانس‌های به اصطلاح دوستان سوریه پیش‌شرط هر مذاکره‌ای را بر کناری وی دانستند. مخالفین دولت هم تا آنجا پیش رفتند که شورای ملی تشکیل دادند و نخست‌وزیر موقت تعیین و حتی وزرای پیشنهادی خود را نیز اعلام کرد که بعد از برکناری اسد و تا زمان رفراندوم قانون اساسی بر مسند قدرت بنشینند؛ اما تحولات در سوریه بر وفق مراد مخالفان پیش نرفت. نخست‌وزیران موقت به علت مخالفت‌ها و ناامیدی از اوضاع یکی پس از دیگری استعفا کردند و پیروزی ارتش سوریه در میدان نبرد نیز مزید بر علت گشت. از طرفی ایالات متحده، که بر طبل جنگ‌طلبی می‌کوبید، پس از آنکه با بحران‌های مالی روبه‌رو گشت و اطمینان خاطر نیافت که این حمله موفقیت‌آمیز باشد، بر برگزاری کنفرانس ژنو ۲ و راه‌حل‌های سیاسی و دیپلماتیک برای حل بحران تأکید ورزید؛ ایالات متحده زمانی به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای بحران بر این راه‌حل تأکید می‌ورزید. این مسئله نشان می‌دهد که غربی‌ها تحلیل درست و جامعی از اوضاع سوریه و منطقه خاورمیانه نداشتند و تنها درصدد ضربه زدن به محور مقاومت بودند.

حال آنکه اگر این موضع از ابتدای ناآرامی‌ها اتخاذ می‌گشت، شاهد ده‌ها هزار کشته و خسارت‌های مالی و صدها هزار آواره نبودیم.

حمایت‌های ایران و روسیه

جمهوری اسلامی ایران و روسیه از ابتدای ناآرامی‌ها با دولت سوریه هم‌نظر و خواستار خروج تروریست‌ها از این کشور و مذاکره برای ختم‌دادن به این شرایط بودند. این دو با حمایت‌های همه‌جانبه‌شان به اسد کمک کردند و مانع از آن شدند که خواست غربی‌ها برای حمله به این کشور محقق گردد. به‌طور مثال، پس از جدی شدن بحث جنگ درخصوص استفاده از سلاح شیمیایی در «قوطة» دمشق، وزیرامور خارجه کشورمان به عراق سفر کرد و هدف از این سفر را آشکارا تلاش برای ممانعت از وقوع جنگ اعلام کرد. از طرفی، روسیه نیز اعلام کرد که در مقابل حملات نظامی ساکت نخواهد نشست و همین تلاش‌ها باعث گردید حمله صورت نپذیرد. این حمایت‌ها باعث قدرت گرفتن راه‌حل سیاسی و حفظ نظام راه‌حل نظامی گردید. بهترین گزینه در شرایط کنونی روزگ نظام فعلی سوریه، تلاش برای خروج تروریست‌ها از این کشور و آغاز مذاکرات برای اصلاح نظام است. آمریکا به دلیل بالا رفتن هزینه‌های درگیری در مناطق مختلف جهان، بعد از ناکامی‌های اخیر در سوریه، گام به‌گام در حال عقب‌نشینی است و ماندن بشاراسد را در قدرت در شرایط کنونی بهترین گزینه می‌داند. منبع : خبرگزاری‌ها